

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۱، شماره ۳۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۸ (صص ۲۵۶-۲۳۵)

چچ‌نامه؛ حلقه آغازین تاریخ‌نگاری اسلامی در هند

سیاوش یاری^۱ مسلم سلمانی‌یان^۲ محبوبه پورجعفری^۳

چکیده

ورود اسلام به شبه‌قاره هند افزون‌بر تحولات مذهبی، تحولات و تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به‌دنبال داشت. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این تحولات، ایجاد سنت تاریخ‌نگاری بود. نخستین دوره تاریخ‌نگاری در هند هم‌زمان با فتح آن توسط «محمدبن قاسم» بوده و نخستین اثر در این زمینه کتاب «فتح‌نامه سند» (چچ‌نامه) است. اصل این اثر در سده سوم هجری نوشته شده‌است که علی‌بن‌حامد ابوبکرکوفی در حدود سال ۶۱۳ هجری آن را از متنی عربی بدون نام مؤلف و عنوان به فارسی ترجمه کرد. اصل عربی کتاب گم شده و فقط ترجمه فارسی آن موجود است. این اثر برای تاریخ اسلام در هند اهمیت بسیار دارد؛ بنابراین پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخی برای یافتن این پرسش است که مهم‌ترین مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری «چچ‌نامه» کدام هستند؟ و در میان پژوهش‌های تاریخی در زمینه معرفی و تبیین ابعاد مختلف تاریخ‌نگاری هند، چه سهمی می‌توان برای چچ‌نامه در نظر گرفت؟ با توجه به ماهیت پژوهش، روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. این پژوهش می‌کوشد تا با معرفی، بررسی و مطالعه کتاب فتح‌نامه سند (چچ‌نامه) از طریق درک مفهومی و روش‌مند گزارش‌های آن، به شناخت وجوه عمده حیات سیاسی، مذهبی و اجتماعی این برهه دست یابد؛ همچنین دیدگاه‌های مؤلف و بازتاب آن دیدگاه‌ها در محتوا و روش تاریخ‌نگاری وی را بازجوید.

واژه‌های کلیدی: تاریخ‌نگاری، هند، فتح‌نامه سند (چچ‌نامه)، علی‌بن‌حامد ابوبکر کوفی.

S.yari@ilam.ac.ir

۱- دانشیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام (نویسنده مسئول)

۲- استادیار گروه تاریخ دانشگاه ایلام

۳- کارشناسی‌ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ایلام

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۹

۱- مقدمه

تاریخ‌نگاری انعکاس‌بینش و نگرش اجتماعی و فرهنگی جامعه‌ای قلمداد می‌شود که این دانش در آن پدید آمده است. اگر علم تاریخ را حاصل ارتباط متقابل میان مورخ و گزارش‌های وقایع تاریخ بدانیم، تاریخ‌نگاری صورت‌نوشتاری این ارتباط متقابل به‌شمار می‌آید. تاریخ‌نگاری یک امر گفتمانی به‌شمار می‌رود و بینش و نگرش جامعه‌فعلی و قانون‌مندی‌های خاصی را که با تداخل افق‌های گوناگون تاریخی به‌وجود آمده‌است، در درون خود دارد (فی، ۱۳۸۳: ۲۱۴-۲۱۷). تاریخ‌نگاری هند نیز از این قاعده مستثنی نیست. سیمای فرهنگی هند اسلامی به بهترین وجه در ادبیات آن که به زبان‌های متعددی نوشته‌شده، انعکاس یافته‌است. پرسش از ساختار و خصوصیات تاریخ‌نگاری هند، یکی از موضوعاتی است که پژوهشگران حوزه تاریخ‌نگاری هند همواره با آن روبه‌رو هستند. از دلایل مهم توجه جدی پژوهشگران به این مقوله، جایگاه این موضوع در شناخت و مطالعه تاریخ اجتماعی، اداری و سیاسی هند در دوره مورد پژوهش است. بیشتر پژوهشگران بر این باورند که با ورود اسلام به شبه‌قاره هند و تشکیل حکومت‌های اسلامی، تاریخ‌نگاری در هند آغاز شد. هرچند مفهوم تاریخ‌نگاری اسلامی، محل مناقشه برخی از اهل نظر قرار گرفته‌است. عده‌ای بر این اعتقادند که اساساً ترکیب «تاریخ‌نگاری اسلامی» ترکیب صحیح و دقیقی نیست، زیرا همه مؤلفه‌هایی که در میراث مکتوب تاریخ‌نگاری مسلمانان جای گرفته، اسلامی نیست. بر این مبنا توصیه می‌کنند از ترکیب (تاریخ‌نگاری مسلمانان) استفاده شود؛ زیرا از آن مسلمانان است، اگرچه ممکن است در مواردی با اصل و بنیادهای اندیشه اسلامی هم‌خوانی نداشته‌باشد (حضرتی، ۱۳۹۱: ۲). سنت عربی‌نویسی در هند همانند سایر بلاد اسلامی و بدون هیچ‌گونه ویژگی خاص هندی بود. تنها در سند، دوران حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس و احتمالاً در عصر صفاریان، عربی، زبان دیوانی بود. نسخه اصلی منهاج‌المسالك (چچ‌نامه) نخستین تاریخ اسلامی سند، در دست نیست؛ اما تحریر فارسی آن یکی از قدیمی‌ترین منابع تاریخ سند را تشکیل می‌دهد (احمد، ۱۳۶۶: ۹۵) که به‌نام‌های تاریخ قاسمی، فتح‌نامه سند، منهاج‌الدین و الملک و چچ‌نامه نیز معروف است (آفتاب، ۱۳۶۴: ۹).

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

نخستین تاریخ مکتوب هند پس از ورود اسلام به این سرزمین کتاب فتح‌نامه سند (چچ‌نامه) است که در قرن هفتم هجری به فارسی برگردانده شد. این کتاب از حلقه‌های آغازین تاریخ‌نگاری

اسلامی در هند است که از نظر سبک و محتوا منبع اصلی مورخان بعدی در تاریخ‌نگاری شد. مؤلف «چچ‌نامه»، اثر قابل توجهی در تاریخ‌نگاری پدید آورد. هرچند اثر وی محدود به تاریخ نبوده و دایرةالمعارفی از ادبیات، جغرافیا و تاریخ شمرده می‌شود؛ اما به دلیل اینکه بُعد تاریخی آن پُررنگ‌تر بوده و افزون‌بر این، تمامی مطالبی که وی بدان پرداخته موضوعات تاریخی به‌شمار می‌آیند، اثر وی منبعی تاریخ‌نگارانه شمرده می‌شود؛ بنابراین بینش و روش او از حیث بررسی مؤلفه‌های تاریخ‌نگارانه، مقوله قابل توجهی به‌نظر می‌رسد. می‌توان گفت تاریخ‌نگاری هند در دوره اسلامی تأثیرپذیری بسیاری از تاریخ‌نگاری ایرانی داشته‌است؛ اما پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که: چچ‌نامه به چه میزان بر سبک و ساختار تاریخ‌نگاری هند تأثیر گذاشته است؟ نتایج تحقیق بیانگر آن است که بدون‌شک میان عصر حیات مؤلف و تاریخ‌نگاری او ارتباط مستقیمی وجود داشته‌است؛ از این رو روشن کردن ارتباط میان دوران زندگی مؤلف، اوضاع حاکم‌بر آن و شیوه تاریخ‌نگاری وی نکته مهمی است. صرف‌نظر از این زمینه که همواره جهان‌بینی مورخ را شکل می‌دهد، طبیعی بود که نیازهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه گسترش یافته اسلامی و ملاحظات نوظهوری که برای مسلمانان مطرح بود، در جای خود توجهی جدی برای شناخت تاریخ‌نگاری چچ‌نامه است. هرچند میان پژوهش‌های تاریخی سهم چچ‌نامه در زمینه معرفی و تبیین ابعاد مختلف تاریخ‌نگاری هند ناچیز بوده‌است، با مطالعه متون تاریخی دوره اسلامی هند از حضور و تأثیر خط‌مشی و انگاره‌های مؤلف چچ‌نامه بر مورخان هم‌عصر وی و دوره‌های بعدی خبر می‌دهد.

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

مسئله تاریخ‌نگاری در جهان اسلام از اهمیت بالایی برخوردار است. از جریان‌های مهم آن، بدون‌شک تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند است که با وجود تألیفات پرشمار و ارزشمند مورخان هند دوره اسلامی، کمتر به آن توجه شده است. نگارندگان این پژوهش برآن‌اند تا از طریق مطالعه و بررسی اوضاع سیاسی و محیط فرهنگی عصری که مؤلف چچ‌نامه در آن می‌زیست، نخست تأثیر شرایط و اوضاع زمانه را بر تفکر و نگرش وی به بحث بگذارند، آنگاه با ارزیابی گزارش وقایع و رخداد‌های بیان شده، به بررسی سبک و خصوصیات تاریخ‌نویسی وی و نتیجه‌گیری از آن بپردازند؛ بنابراین در سایه این پژوهش، می‌توان شناختی عمیق از تاریخ هند به‌دست آورد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

در این پژوهش پژوهشگران در کنار نقل روایات غالباً به روش ترکیبی به تحلیل و تبیین و بررسی علل می‌پردازند. اگرچه در تاریخ‌نگاری اسلامی نمی‌توان تاریخی تحلیلی که کاملاً مصداق این تعریف باشد پیدا کرد، اما برخی تواریخ را می‌توان یافت که دیدگاه‌های تحلیلی در آن‌ها دیده می‌شود. روش تحقیق به صورت تبیین و تحلیل موضوع است که با اتکا بر روایات و مطالب تاریخی اثر انجام می‌گیرد.

۴-۱- پیشینه تحقیق

تاریخ‌نگاری در هند، موضوعیست که برخی از جنبه‌های آن تاکنون مورد پژوهش قرار گرفته است. مشکلات و ایراداتی که در منابع پژوهش عنوان خواهد شد باعث شده در پژوهش حاضر به بررسی مشخصات و ویژگی‌های تعدادی از آن‌ها پرداخته شود. این دسته از تحقیقات مطالب ارزنده‌ای در زمینه این پژوهش عرضه کرده‌اند. مهم‌ترین مزیت این سری از پژوهش‌ها این است که نویسندگان در جای‌جای بحث، به جهت روشن شدن یافته‌ها تا آنجا که این منابع بتواند به پیشبرد فرضیه و تجزیه و تحلیل آن مدد رسانند از آن‌ها استفاده کرده‌اند؛ در این زمینه مقالات و تحقیقاتی انجام شده که برخی از مهم‌ترین آن‌ها بدین شرح هستند: مقاله محمدرضا ناجی، با عنوان «چچ‌نامه» دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱ (۱۳۸۶)، اسماعیل‌پور مقاله «تاریخ‌نویسی در شبه‌قاره» دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، (۱۳۸۰)، علی اطهر، «تاریخ‌نگاری در هند دوره اسلامی»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶ (۱۳۸۰) رزم‌آرا «تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند»، «دایرةالمعارف بزرگ اسلامی»، ج ۱۴ (۱۳۸۵). این آثار در بیشتر موارد دچار شتاب‌زدگی شده‌اند و فاقد چشم‌انداز تاریخی و تحلیلی از شکل‌گیری و بسط این مسأله هستند، البته پژوهش‌هایی مانند این آثار و آثار دیگری که در فهرست منابع آمده‌اند؛ کمک‌هایی در اختیار این پژوهش قرار داده‌اند. همچنین می‌توان کتاب اصغر آفتاب تحت عنوان «تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان»، (۱۳۶۴) را نام برد؛ اما اشکال اصلی این پژوهش نبود توجه کافی به تحولات تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند است. همچنین در هیچ‌کدام از مقالات ذکر شده به صورت تخصصی به بحث تاریخ‌نگاری و کتاب چچ‌نامه به‌عنوان نخستین اثر در این خصوص پرداخته‌اند. بر این اساس، با توجه به آنچه درباره منابع و مطالعات این دوره آمد، به نظر می‌رسد هنوز نیازمند اذهانی جستجوگر و پرسش‌مند، در دو حوزه شناسایی منابع اصیل و تألیف، در جهت پاسخگویی به ابهامات موجود در ابعادی از تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره

هند هستیم؛ اما این مقاله به صورت نظام‌مند و مدون، به چچ‌نامه و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند پرداخته و مورد واکاوی قرار می‌دهد.

۲- زندگی‌نامه علی‌بن‌حامد بن ابوبکر کوفی

مترجم این کتاب از عربی به فارسی علی‌بن‌حامد بن ابوبکر کوفی، نامش به چندگونه دیگر نیز آمده است: محمد بن علی بن حمید بن ابوبکر یا محمد علی فرزند حامد فرزند ابوبکر، نویسنده و شاعر فارسی‌سرای سده ششم و هفتم هجری است (منزوی، ۱۳۸۲: ۱۲۴۸/۲). اطلاعات ما درباره وی مستند به اظهاراتش در چچ‌نامه است. هرچند خود درباره تاریخ تولدش اطلاعاتی به دست نداده است، ولی از آنجایی که خود را در سال ۶۱۳ هجری، پنجاه و هشت‌ساله معرفی می‌کند، می‌توان تاریخ تولدش را سال ۵۵۵ هجری حدس زد. کوفی جزء اول تألیف خود لباب‌الالباب را در سال ۶۱۷ هجری به پایان رسانده و به همان وزیر منتسب کرده و اسم علی‌کوفی را در بین ادیبان ناصرالدین قباچه (۶۰۷-۶۲۵ هجری) بیان نکرده؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که او پیش از این سال در گذشته است (کوفی، ۱۳۵۸: مقدمه، یو). علی‌بن‌حامد ابوبکر کوفی از مردم کوفه بوده که در قرن ششم و هفتم هجری می‌زیسته است. در ابتدای فرمانروایی ناصرالدین قباچه رهسپار ناحیه سند شد (صفا، ۱۳۷۳: ۱۱۶۶/۳). مترجم پیش از رفتن به بهکر (bhakkar)، در شهر اوچ (Uch) پایتخت این فرمانروا اقامت گزید و در آن زمان مورد توجه خاص شرف‌الملک وزیر واقع شده و تحت حمایت وی در اوچ زندگی کرد. پس از مرگ او نیز تحت حمایت پسرش عین‌الملک (م ۶۲۵ هجری) وزیر قرار داشت (کوفی، ۱۳۵۸: مقدمه، یو). او یکی از آن عرب‌هایی بوده که به واسطه نزدیکی با ایران زبان فارسی را خوب می‌دانسته است. از ناصرالدین خواهش کرد که بقیه ایام زندگی را در تألیف کتاب تاریخی صرف کند و چون خود از نژاد عرب بود، ترجیح داد آثار فتوحات اعراب را در این دیار زنده کند (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۰: ۶۸۳/۴). مترجم در آغاز کتاب می‌گوید: «من در نظر داشتم برای سند در دوره اسلام کتابی بنویسم، زیرا برای سایر اماکن هرکدام کتابی نوشته شده؛ ولی نواحی سند را در دوره اسلام کتابی نبود». وی در سال ۶۱۳ هجری، از اوچ به شهر ارور (Aroor) و بهکر کوچ کرد و در این باره می‌گوید: «من در شهر ارور که اهالی آن همه از نژاد عرب هستند، خدمت امام اجل، عالم البارع، کمال‌الملة و الدین، سید الحکام، اسماعیل ابن علی ابن محمد ابن موسی ثقفی (از بازماندگان محمد بن قاسم ثقفی فاتح هند) که در فصاحت کان

فضل است و در ملاحظت جان عقل است و در فنون علم و زهد بی‌نظیر و در صنوف بلاغت بی‌ظہیر، رسیدم»، پس از این گوید اسماعیل‌بن‌علی به من گفت: «تاریخ سند را یکی از اجداد ما به زبان عربی نوشته است و اکنون در صندوق ما محفوظ است و ما تاریخ مزبور را از اجداد خود به ارث می‌بریم» سپس کتاب را برای من آوردند و من آن را ترجمه کردم (کوفی، ۱۳۵۸: ۹، ۱۳، ۱۰؛ عطاردی، ۱۳۷۶: ۲۱۶). پس از ترجمه کتاب فتح‌نامه به فارسی، در مقدمه کتاب آن را به ممدوح خود عین‌الملک وزیر اهدا کرد (منزوی، ۱۳۸۲: ۱۲۴۵/۲). وی افزون‌بر ترجمه کتاب به فارسی، مقدمه و اشعاری بدان افزوده است (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۰: ۶۸۳/۴) سرزمین سند سهم بسزایی در ترویج زبان فارسی داشته است (میرزا، ۱۳۸۸: ۱۳۶). سید هاشم مولوی معتقد است مترجم چچ‌نامه مطالبی را به آن افزوده یا برخی از مطالب را حذف کرده است، با این حال او برای این ادعای خود مدرک یا شاهدهی ارائه نمی‌دهد (یاری، ۱۳۸۸: ۳۰) بنابر پاره‌ای قراین، وی باقی عمر خود را تحت‌حمایت قاضیان ارور، به ترجمه کتاب گذراند و در همانجا درگذشت. سید محمدمعصوم بکری در تاریخ سند، به‌جز چچ‌نامه از آثار دیگر کوفی، از جمله ترجمه تنقیح‌الاسناد فی تشریح الامصار و البلاد و تألیف کتاب الانساب، یاد کرده، اما نام کوفی را به‌اشتباه علی‌بن‌ابراهیم نوشته است (ناجی، ۱۳۸۶: ۷۷۵/۱۱). سیر تاریخ‌نگاری در هند پیش از چچ‌نامه نخستین تاریخ‌های هر سرزمین با اسطوره، افسانه، حکایت و قصه‌های تاریخی آمیخته‌اند. این ویژگی نه تنها در تاریخ‌نویسی مشرق‌زمین، بلکه در تاریخ‌نویسی کشورهای غربی نیز آشکار است. در تاریخ‌نویسی هند نیز در روزگار باستان، تاریخ‌نویسی به معنای واقعی و امروزی آن وجود نداشت. آثاری مانند: راماین (Ramayana)، مهابهارت (Mehabharata)، هرش چریتا (Harshācarita)، رام چریتا، کرمانیک چریتا و جز این‌ها را که روایت‌هایی تاریخی، اما بدون تأکید بر مکان یا ترتیب زمانی رویدادها و آمیخته به اسطوره‌اند، در شمار نخستین آثار تاریخی این سرزمین آورده‌اند. از دیگر منابع تاریخی کهن هند، راج ترنگینی (Rajtarangini) تألیف کلپنه در قرن ششم میلادی به زبان سنسکریت است. هندوها منابع تاریخی دیگر، مانند اشعار خنیاگران راجپوت که چشم دیده‌هایشان را درباره حامیانشان، همراه با نسب‌شناسی آنان سروده، سینه‌به‌سینه به فرزندانشان می‌سپردند. اشعار قهرمانی، افسانه‌های منظوم شاهزادگان و نیز آثاری به زبان‌های گوناگون درباره مرهته‌ها، سیک‌ها و... هم داشته‌اند. این آثار عمدتاً، نفوذ مشخص و محسوسی بر تاریخ‌نگاری هند در دوره اسلامی نداشته‌اند، اما مطالب اولیه و شواهدی مهم برای تاریخ‌نویسی

در خود دارند. بعدها تاریخ‌نگاران مسلمان از آگاهی‌های این آثار، برای نگارش یا اصلاح تاریخ‌های خود، بسیار بهره بردند. با پیدایش و گسترش اسلام در شبه‌قاره، تاریخ‌نویسی مسلمانان با گستردگی و گوناگونی‌اش که تاریخ‌ها (مغازی، تاریخ‌های اسلام)، زندگی‌نامه‌ها (زندگی‌نامه‌های پیامبر، انساب، طبقات) و نامه‌ها را دربر داشت، با وقایع‌نگاری دقیق و نیز با ویژگی‌هایی که از دو سنت تاریخ‌نویسی عربی و ایرانی در خود داشت، الگویی برای تاریخ‌نویسی هند در سده میانه شد. زبان تاریخ‌نویسی مسلمانان در سده‌های نخست تنها عربی بود و حتی ایرانیان هم در نگارش تاریخ‌هایشان از آن بهره می‌بردند، اما از سده چهارم هجری در ایران و رفته‌رفته در ترکیه، آسیای مرکزی و هند، فارسی، زبان ادبیات تاریخی مسلمانان شد (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۰، ۶۳۹/۴-۶۴۹). چچ‌نامه نخستین اثر تاریخ‌نگاری هند پس از ورود اسلام به این سرزمین است (ریاحی و عقیلی، ۱۳۹۶: ۸۵) و تاریخ‌نگاری هند، در ابتدای راه خود بود. فاتحان مسلمان برای شرح گزارش‌های قهرمانی‌های نظامی خود، مورخان را استخدام کردند تا گزارش‌های اغلب منظم و تاریخ‌مندشان هرچند غلوآمیز را ثبت کنند (Mehta, 2002, 1). تدوین تاریخی در هند دوران باستان بیشتر به صورت شفاهی رواج داشته است. بیشتر متون باقی‌مانده از آن دوران متون ادبی، دینی، فلسفی و اندرنامه هستند. شروع تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند، بسیار دیرتر از سایر ممالک اسلامی آغاز شد و آنچه می‌توان تاریخ‌نگاری هند خواند متأثر از تاریخ‌نگاری ایرانی و به زبان فارسی بود (سجادی و عالم‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۳). ویژگی اصلی تاریخ‌نگاری سنتی در هند تأثیرپذیری فراوان آن از باورهای کلامی و دینی است. از این حیث تاریخ‌نگاری اسلامی در هند را معطوف به باورها دانسته‌اند، نه معطوف به حقیقت که بی‌توجهی به جریان‌ات کلی تاریخی است. مورخان سنتی بیشتر واقعه‌نگار بوده‌اند و بیشتر تلاش‌شان در توضیح چگونگی رخ‌دادن حوادث خلاصه می‌شد؛ در نتیجه این نوع نگاه، نتیجه‌گیری‌های کلی و تعمیم‌های تاریخی امکان‌پذیر نبود. چچ‌نامه به‌عنوان نخستین اثر برجای‌مانده از تاریخ‌نگاری هند است که علی‌بن‌حامد کوفی آن را از متنی عربی و گمنام به فارسی ترجمه کرد. سنت تاریخ‌نویسی پس از آن در هند با اثر پرتکلف حسن نظامی نیشابوری (م ۶۱۴ هـ.ق)، تاج‌المآثر آغاز شد (عقیف، ۱۳۸۵: ۶). بینش اسلامی و توجه به ایران باستان که از خصوصیات عمده تاریخ‌نگاری ایرانی در قرون نخست اسلامی بود، به‌خوبی در این آثار دیده می‌شود. افزون‌بر این، نگاه حکومتی به تاریخ، شرح زندگی پادشاهان و امرا و بی‌توجهی به زندگی اجتماعی مردم که آن‌هم از مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری ایرانی بوده در آثار مورخان هند دوره

اسلامی به چشم می‌خورد (میرجعفری و عاشوری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۸۵-۸۹). تا پیش از دوره تیموری، تاریخ‌نگاری غالب این سرزمین، دوره‌ای بوده است، اما در دوره تیموریان، اکبرشاه (۹۸۴-۹۳۴ هـ.ق) نخستین پادشاهی بود که خواستار نگارش تاریخ عمومی شد و گروهی از مورخان را گرد آورد که حاصل آن نگارش کتاب تاریخ‌الفی است (حضرتی، و برومنداعلم، ۱۳۹۱: ۲۱۴) ثبات سیاسی و به‌وجود آمدن فضای باز سیاسی و اعتقادی به‌وجود آمده توسط فاتحان مسلمان، از عوامل گسترش تاریخ‌نگاری این دوره بود (همان: ۲۱۴). آنچه در این پژوهش اهمیت دارد این است که باید تاریخ‌نگاری چچ‌نامه (فتح‌نامه سند) را در محدوده تاریخ‌نگاری دوره پیش از تیموریان و در فضای سیاسی و اجتماعی آن زمان بررسی کرد. بدین‌سان در پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن مشخصه‌های تاریخ‌نگاری این عصر، با نگاهی نوپردازانه به متن چچ‌نامه، این اثر به بررسی و مذاقه گذاشته شده است.

۳- چچ‌نامه؛ ساختار و محتوا

در کتاب چچ‌نامه اشاره صریحی به نام نویسنده عربی آن نشده و مورخان اطلاعات دقیقی از نام اثر و نویسنده آن ندارند. احتمال داده شده است که تألیف شخصی به نام خواجه امام ابراهیم باشد (اسماعیل‌پور، م، ۱۳۸۰، ۶۸۳)؛ چراکه نام هیچ راوی‌ای با چنین احترامی در ضمن کتاب آورده نشده و می‌توان حدس زد که مؤلف اصلی نسخه عربی (منهاج‌الدین) او بوده است (کوفی، ۱۳۵۸، مقدمه، یو). گمان بر این است که کتاب به فتح‌نامه سند موسوم است، ولی طبق عادت آن را چچ‌نامه می‌گویند (کوفی، ۱۳۵۸، مقدمه، یز)؛ زیرا با شرح حال چچ که نام یکی از پادشاهان ناحیه غربی سرزمین هند و ولایت سند بود که از برهمن‌زادگی به مقام رابی رسید و حمله مسلمین به هند در عهد جانشینان او انجام گرفت، آغاز می‌شود (کوفی، ۱۳۵۸، مقدمه، یز؛ صفا، ۱۳۷۳: ۱۱۶۷/۳) علی‌بن‌حامد ابوبکر کوفی چهار بار در ترجمه خود تصریح کرده که نام کتاب فتح‌نامه است (کوفی، ۱۳۵۸: ۱۱، ۱۳، ۱۴ و ۲۴۸). وی همچنین کتاب را با نام منهاج‌الدین‌الملک خوانده، گویا نام نسخه عربی کتاب این بوده است؛ ولی نظام‌الدین بخشی در طبقات اکبری و دیگر مورخان آن را به نام منهاج‌المسالک موسوم کرده‌اند. نسخه کلکنه آن را تاریخ قاسمی می‌خواند (همان: مقدمه، یز) کتاب فتح‌نامه سند یا چچ‌نامه نام‌های دیگری نیز دارد؛ مانند منهاج‌الملک والدین، منهاج‌المسالک و تاریخ قاسمی. همچنین از این اثر به نام‌های تاریخ سند و تاریخ هند نیز

یاد شده و چون نسخه عربی آن در دست نیست. چچ‌نامه فارسی نخستین کتاب سند است که به دست ما رسیده (آفتاب، ۱۳۶۴: ۱۶۷).

علی‌بن‌حامد کوفی این کتاب را از نسخه اصلی عربی در زمان ناصرالدین قباچه در ۶۱۳ هـ ق به فارسی ترجمه کرد. وی درباره اینکه چرا دست به ترجمه فارسی کتاب زده این‌گونه بیان می‌کند که: «بنده به جهت خلود ذکر علو قدر دودمان اعظم و خاندان معظم، این کتاب را از پرده حجازی در بیان پارسی ترجمه کرد؛ چون بعین رضا لمحہ کرم اطلاع افتد، مزین گردد [و] بنده بواسطت آن مزید درجه و ارتفاع منزلت یابد، که رداء فخر و طراز عز این فتح‌نامه بتداول روزگار خلق بگردد» (کوفی، ۱۳۵۸: ۱۳). «و برحسب مقال بر شرح خواص افتد تا به‌وسیله این بضاعت مزجات و جوه درجات میسر گردد و بحضرت عالی لازلال عالیا تقرب یابد، و بقبول اقبال مشرف گردد» (همان: ۱۴). نمی‌توان به‌یقین گفت که نسخه عربی در چه سالی نوشته‌شده. از قراری که اغلب روایات چچ‌نامه از مدائنی آمده و مدائنی در سال ۲۱۵ یا ۲۲۵ فوت کرده، باید تاریخ کتابت نسخه عربی را بعد از ۲۱۵ هـ ق تصور کرد و چون وقایع تاریخی چچ‌نامه مفصل‌تر است از آن‌ها که در فتوح‌البلدان بلاذری (م ۲۷۶ ق) (بلاذری، ۱۳۳۷: ۴۵۸) آمده و فصول اخیر فتوح‌البلدان در حوالی سال ۲۵۵ هـ ق نوشته‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که نسخه عربی در بین ۲۱۵ هـ ق و ۲۵۵ هـ ق تدوین یافته است. چچ‌نامه توسط عمر ابن محمد داود پوته ویرایش شد و در سال ۱۹۳۹ م در دهلی چاپ و منتشر شد. این کتاب توسط میرزاقلیچ‌بیک به انگلیسی و توسط مخدوم امیراحمد به زبان سندی برگردانده شد (Pathan, 1978: 3) ترجمه جدیدی نیز به عربی از این کتاب از سهیل زکار در دست است که در بیروت چاپ‌شده است (ناجی، ۱۳۸۶: ۷۷۶/۱۱).

بدون‌شک نخستین تاریخ فارسی که در تاریخ سند پیش از فتح عرب نوشته‌شده، چچ‌نامه است که علی کوفی از یک کتاب ناشناس عربی به فارسی درآورده است (آفتاب، ۱۳۶۴: ۱۶۷). چچ‌نامه امروزه از منابع مهم تاریخ شبه‌قاره هند به‌شمار می‌رود (عقیف، ۱۳۸۵: ۷)، پس از علی کوفی تا قرن‌های متمادی هیچ‌کس تاریخ این ناحیه را نوشته و اگر احیاناً نوشته، دست‌خوش روزگار گشته و اکنون نشانی از آن باقی نمانده است (آفتاب، ۱۳۶۴: ۱۶۷). تاریخ قاسمی یا چچ‌نامه که مشتمل است بر شرح وقایع حمله محمدابن قاسم به سند، تاریخ محلی سند است و در سال ۶۱۳ هـ ق درست یک‌سال پس از پایان تاج‌المآثر به فارسی برگردانده شد. این کتاب یکی از مهم‌ترین منابع مورخان هندی-ایرانی برای تاریخ سند پیش از اسلام و آغاز دوره اسلامی بوده است (همان:

۹). سید محمد معصوم بکری مؤلف تاریخ سند، کتابش را عمدتاً بر اساس چچ‌نامه نوشت (بکری، ۱۳۸۲: مقدمه، ۴-۳۱). خواجه نظام‌الدین احمد بن محمد مقیم هروی در طبقات اکبری، عبدالباقی نهاوندی در مآثر رحیمی (همان: ۲۵) و میرعلی شیرقانع تنوی در تحفه‌الکرام (تنوی، ۱۹۷۱م: ۲-۴۵) نیز مطالب چچ‌نامه را به اختصار نقل کرده‌اند. چچ‌نامه در بیان وقایع تاریخی از دیگران معتبرتر است و طرف حقیقت و صحت را فرو نمی‌گذارد. غیر از حکایت انجام محمد بن قاسم، تقریباً جمیع وقایع فتح سند بر وفق بلاذری و یعقوبی است، زیرا بیشتر روایان چچ‌نامه همان کسانی هستند که بلاذری به آن‌ها استناد و اعتماد داشته، مانند مدائنی و ابو محمد هندی و... (کوفی، ۱۳۵۸: مقدمه، یح). کتاب فاقد تبویب و فصل‌بندی و مشتمل بر مباحث و عناوین متعددی است. به جز مطالب نخستین کتاب که در آن به تاریخ سلسله بدهگان (رایان) و برهمنان (آخرین حاکمان سند پیش از فتوحات مسلمان) اشاره شده. بقیه مباحث کتاب، شرح جنگ‌ها و لشکرکشی مسلمانان به سرزمین سند و نخستین حکمرانان مسلمان آن نواحی است.

در ابتدای کتاب، مصحح چچ‌نامه (عمر بن محمد داود پوته) مقدمه‌ای آورده و سپس کتاب به رسم دیگر فتح‌نامه‌ها با بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم آغاز و به حمد و سپاس خداوند پرداخته و به توصیف حضرت محمد (ص) و رسالتش با تکیه بر آیات نورانی قرآن پرداخته است (کوفی، ۱۳۵۸: ۶-۱). مترجم کتاب علی کوفی به مدح ولی نعمت خود ابوالمظفر محمد بن سام با ذکر القابى همچون سلطان سعید شهید، پادشاه اسلام، عبادالله، غیاث‌الاسلام والمسلمین ظل الله فی العالمین و... در ۳۱ لقب پرداخته (کوفی، ۱۳۵۸: ۶) و سپس بایان‌های جملائی چون بزرگان وقت و خداوندان تاریخ، چند چیز را مبقی ذکر و محیی نام خود ساختند: اول انصاف و معدلت و حلم و وقار را شعار و دثار خود سازند؛ دوم اموال بعد از معاش نفس که سرمایه آدمی است ذخیره آخرت کند؛ سوم از هنر بدیع، فرزندان را پیرایه دهند؛ چهارم علما و حکماء وقت را در تنصیف کتب نفیس و تألیف حکم انیس خیال دهند و آن را مدارج امانی و مدارک معانی دانند و آنچه سخن حکمت و فنون موعظت بر صحائف و اوراق جراء تا ابدالدهر یادگار ماند (کوفی، ۱۳۵۸: ۱۲-۱۳). در تکمیل مباحث خویش در باب علت نگارش کتاب می‌کوشد؛ سپس با آوردن مطالبی که گزارشی از تاریخ سند پیش از اسلام و دودمان‌های حاکم بر این ناحیه، مانند سلسله بودائی سیهرس (Rayan)؛ شورش سیلائج برهمنی و دست‌یابی وی بر تاج‌وتخت و تداوم سلسله سیلائج تا زمان فتح اسلامی، تاریخ‌الایان مسلمان نگر هند و سند و حملات مسلمانان به مکران و سند در

زمان خلفای راشدین و امویان تا روزگار ولید ابن عبدالملک (خلافت: ۹۶-۸۶ هـ.ق)؛ شرح و تفصیل فتوح محمد ابن قاسم ثقفی در سند و پیشروی او به نواحی شمالی هند، سرانجام وی و سرنوشت دو دختر داهر، پادشاه شکست‌خورده سند. در این اثر جز برخی حکایت‌ها درباره روزگار پیش از اسلام سند و قصه گشوده‌شدن آن به دست محمدابن قاسم که رنگ افسانه گرفته‌اند، بیشتر رویدادها مطالبی معتبرترند که در کتب تاریخی عربی، مانند فتوح البلدان و تاریخ یعقوبی هم نقل شده‌اند. نثر علی‌بن‌حامد در این ترجمه، روان و استوار و به شیوه آثار پارسی‌نویسان ساده‌گوی قرن ششم هجری است. درست است که آثار ترجمه عربی به فارسی در کتاب آشکار است، ولی این امر به شیوه پارسی‌گویی مترجم آسیبی نرسانیده و آن را منحرف نساخته است. مترجم در دیباچه کتاب به رسم همه مؤلفان زمان، اندکی پیش از متن لغات و ترکیبات عربی به کار برده، ولی در متن که ترجمه از اصل عربی است چنین حالتی مشهود نیست و نثر او در این قسمت ساده و روان و با جمله‌های کوتاه و استوار نگارش یافته است (کوفی، ۱۳۵۸: ۶-۱ صفا، ۱۳۷۳: ۱۱۶۸/۳). علی‌بن‌حامد کوفی دارای قریحه شاعری بوده و در ترجمه کتاب به مناسبت‌های مختلف شعری سروده است، وی در مقدمه کتاب قصیده‌ای را در مدح ناصرالدین قباچه سروده که بر توانایی و تسلط او بر شعر فارسی حکایت دارد. ذکر اشعار نیز از ویژگی‌های دیگر این کتاب است. به نظر می‌رسد از این روش برای درک معانی و حوادث تاریخی بهره گرفته شده است (کوفی، ۱۳۵۸: ۷). مطالب مربوط به تاریخ سند پیش از اسلام که ربع اول کتاب را تشکیل می‌دهد و چچ‌نامه تنها منبع آن به‌شمار می‌رود، مبتنی بر روایات محلی ارور و احتمالاً بخشی از تاریخ شفاهی خاندان برهمنی چچ بوده است. این بخش تحت‌تأثیر تاریخ‌نگاری هند میانه متضمن پاره‌ای مطالب عاشقانه و افسانه‌ای است و عمدتاً درباره مسائل نظام طبقاتی کاست در هند یعنی پاکی و پلیدی در بین خاندان‌های رقیب شاهی سند، ترتیب یافته است. به نظر می‌رسد که نویسنده در این بخش با صحنه‌گذاشتن بر حقوق و امتیازات برهمن‌ها و وضع پست طبقات پایین، خواسته شریعت اسلام را با ساختار اجتماعی هند که در تضاد شدید با جهان‌بینی اسلامی است، سازگار نشان دهد. در کتاب به این مطلب اشاره شده که بودایی‌های هند به دلیل فشاری که از طرف هندوها بر آن‌ها وارد می‌شده است، اغلب جذب اسلام شدند و به‌طور غیرمستقیم و خیلی روشن دودستگی شمن‌ها و برهمن‌ها را بیان کرده و اینکه داهر چگونه توسط

راهبان بودائی تضعیف شده و شکست خورده و آنان موجب پیروزی مسلمانان شدند (حضرتی و برومنداعلم، ۱۳۹۱: ۲۱۱).

بخش مربوط به فتوح قاسم ثقفی که قسمت اعظم چچ‌نامه را شامل می‌شود مبتنی بر روایات قدیم اسلامی به‌ویژه روایات ابوالحسن مدائنی است (۲۲۵ م یا ۲۱۵ هـ.ق). روایات مدائنی منبع اصلی مورخان بعدی همچون بلاذری دربارهٔ سند بوده است. مؤلف چچ‌نامه احتمالاً از آثار از میان رفته مدائنی مانند: ثغرالهند، عمال‌الهند، فتح مکران و اخبار ثقیف بهره گرفته است (ابن‌نذیم، ۱۳۸۱: ۱۷۱) چون هیچ‌یک از آثار مدائنی برجای نمانده است، اهمیت چچ‌نامه به سبب گزارش فتح‌سند و انتقال این روایت تاریخی مهم، بیشتر آشکار می‌شود. مؤلف چچ‌نامه به واسطهٔ مدائنی، از برخی راویان اولیه مانند هذلی نیز روایاتی نقل کرده است (کوفی، ۱۳۵۸: ۷۷-۷۸-۸۰-۸۱-۹۴). به نظر خانم شیمل، این اثر تاریخی احتمالاً اقتباسی از اثر گمشدهٔ مدائنی، با عنوان فتوح‌الهند و السند بوده است (رزماً، ۱۳۸۵، ج ۱۴/ ۳۱۹). پاره‌ای از اطلاعات چچ‌نامه را درجای دیگر نمی‌توان یافت، از جمله حضور سپاهیان اسلامی در قندابیل (kandabil) و فرماندهی ثاغر ابن‌ذغر بر لشکریان ثغر هند در زمان حضرت علی^(ع) (کوفی، ۱۳۵۸: ۷۷). بعضی اطلاعات چچ‌نامه، مانند آغاز خلافت امام علی^(ع) در سال ۳۸ هـ.ق و آغاز خلافت معاویه در ۴۴ هـ.ق نادرست است (همان: ۷۷-۷۶) و پاره‌ای روایات آن مانند سرنوشت محمدابن قاسم ثقفی، از داستان‌پردازی خالی نیست، اما اغلب وقایع مندرج در آن با فتوح‌البلدان بلاذری مطابقت دارد (بکری، ۱۳۸۲: ۵). استفادهٔ مؤلف چچ‌نامه از منابع ارزشمندی که امروزه بسیاری از آن‌ها در دسترس نیستند، بر اهمیت چچ‌نامه می‌افزاید.

۳-۱- چچ‌نامه و اهمیت آن در تاریخ‌نویسی هند

تاریخ محلی جزئی از تاریخ است و تمام مؤلفه‌های شکل‌دهندهٔ تاریخ را دربردارد؛ از ویژگی‌های تواریخ محلی، توجه به جغرافیا و ارتباط آن با تاریخ است (عاروان، ۱۳۹۱: ۲۵). به باور عده‌ای، تاریخ‌نگاری محلی، ذیل تاریخ ملی قرار می‌گیرد. کارول کامن (Carol Kamment) براین باور است که تاریخ‌نگاری محلی تنها بخشی از تاریخ ملی نیست، بلکه حوادث گذشته گروهی از مردم در منطقهٔ جغرافیایی خاص است (چلونگر، ۱۳۹۲: ۷۶). تاریخ‌نگاری محلی نزد مورخان مسلمان گزارشی از زندگی جوامع مختلفی بود که جهان اسلام از آن تشکیل می‌شد (خضر، ۱۳۸۹: ۶۵). در همهٔ دوره‌ها، اشتغال به تاریخ محلی، یکی از راه‌های مطلوب بیان ادبی و آگاهی گروهی

بوده‌است. همه گروه‌های مردمی که در قلمرو اسلام سکنی داشتند، وابستگی و تعلق توانمندی را که میان انسان و محل تولدش پیوند ایجاد می‌کند احساس کرده و بیان داشته‌اند (روزنتال، ۱۳۶۶: ۱۷). صرف‌نظر از دیدگاه‌های فوق باید گفت تاریخ‌نگاری محلی به‌رغم جغرافیای محدودش طیف گسترده‌ای از نیازها را -شامل تاریخ سیاسی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه و مذهب و ذهنیت آن- پوشش می‌دهد. همچنین در برخی موارد، تاریخ محلی به شکل بررسی تاریخ یک خاندان یا سلسله خاص در یک منطقه جغرافیایی مشخص گفته می‌شود. هرچند برخی از این سلسله‌های حکومت ممکن است به شکل یک دولت فراتر از محل و منطقه خاص عمل کرده‌باشند. تاریخ‌نویسی محلی بیش از هرچیز به تاریخ‌نویسی تحولات اجتماعی در سطح محدود توجه دارد که با محور قرار دادن جغرافیای تاریخی در یک محدوده مکانی سعی در بررسی وقایع تاریخی دارد (شبان، ۱۳۹۱: ۵۴-۵۹). در این‌گونه تاریخ‌ها که غالباً اطلاعاتی سودمند نیز در باب ولایات نوشته‌اند، معلومات مفیدی در باب حوادث و وقایع اوایل فتوح اسلام مندرج است و در واقع اوایل ظاهراً موجب تألیف این‌گونه تاریخ‌ها تا حدی تدوین اطلاعات در باب کیفیت فتح بلاد بوده است (زرین کوب، ۱۳۸۰: ۵۸). سرزمین هند با توجه به شرایط خاص اقلیمی خود یکی از مهم‌ترین مکان‌ها برای رشد تاریخ‌نگاری محلی بود، ازجمله این مؤلفان می‌توان به مؤلف چچ‌نامه اشاره کرد که با نگارش کتاب چچ‌نامه نقش بارزی در شناخت تاریخ این سرزمین ایفا کرده است. نویسنده چچ‌نامه به شرایط اجتماعی، وضع زندگی مردم عادی، وضعیت زنان، شغل و صنعت مردم، دین و آیین و اعتقادات آن‌ها اشاره کرده‌است. هرچند سخن گفتن در تاریخ‌نگاری محلی، از این طبقات مردم مرسوم نبوده، اما نویسنده چچ‌نامه به‌صورت مختصر از آن‌ها یاد کرده‌است.

از آنجایی که یکی از انگیزه‌های تألیف تواریخ محلی، دفاع از خاندان حاکم محلی بود (ثواقب، ۱۳۹۳: ۲۲؛ قدیمی‌قیداری، ۱۳۸۸: ۱۱۴) تاریخ چچ‌نامه نیز از این قاعده مستثنی نبود. چچ‌نامه ازجمله تواریخ محلی است که شامل روایات محلی معتبر و دست‌اول فتح ناحیه سند توسط اعراب و همچنین وضعیت و مقدرات آن ایالت است و آگاهی‌هایی از تاریخ محلی، تاریخ سیاسی دودمان‌های رای و برهمن پیش از تسلط مسلمانان، به‌ویژه چچ بن سیلاج (Chach ibn Silaj) می‌دهد. این اثر از حیث تاریخی، به‌سبب اشتغال بر اطلاعات مفیدی از لشگرکشی‌ها و رخدادهای سیاسی و نظامی مسلمانان به هند، بسیار قابل استفاده و توجه است، لکن اشتباهاتی نیز

در آن به چشم می‌خورد؛ برخی از قسمت‌های این کتاب، شامل داستان‌های محلی غلط و اغراق‌آمیز می‌شود که توسط منابع تاریخی دیگر تأیید نشده‌اند (pathan, 1978:15) طی تاریخ اسلام، موضوع فتح‌نامه‌نویسی به تدریج رشد و گسترش یافت. بدین شرح که پس از آغاز فتوحات و در عصر خلفای راشدین، فتح‌نامه‌ها همانند مکاتیبی کوتاه، تنها حاوی نتیجه نبرد بودند و به خلیفه وقت یا فرمانده ارشد ارسال می‌شدند. یعقوبی (متولد: ۲۸۴ هـ.ق) می‌نویسد: محمدبن قاسم (م: ۹۶ هـ.ق) پس از شکست سپاه داهر (Dahir)، فتح‌نامه سند را به‌همراه سر داهر نزد حجاج (م: ۹۵ هـ.ق) فرستاد (یعقوبی، ۱۳۷۸:۲۴۵). زبان نوشتاری فتح‌نامه‌ها عربی بوده و توسط فرماندهان بلافاصله به خلیفه ارسال می‌شد (ابن‌اعثم کوفی، ۱۲۴۴: ۸۵). مهم‌ترین ویژگی چچ‌نامه، به‌عنوان تاریخ محلی، توجه مؤلف به فتوحات اسلامی (فتح سند) بود که آگاهی‌های ارزشمندی به دست می‌دهد و مانند اغلب منابع تاریخ اسلام، اعم از تواریخ عمومی و کتب فتوح به شرح بسیاری از فتوحات اسلامی پرداخته‌اند، اما درباره فتح ایالت سند از تفصیل و غنای مطلوب برخوردار نیستند. از طریق چچ‌نامه است که می‌توان به جزئیات فتح سند دست‌یافت. کوفی بیان می‌کند که: محمدبن قاسم ایالات سند را با جنگ یا مصالحه یکی پس از دیگری فتح می‌کند تا به مولتان (Multan) رسیده در آنجا مستقر شده و به تنظیم و ترتیب امور مالی، اداری و نظامی متصرفات خود که از دیبل (Daybol) تا مولتان امتداد داشت، پرداخت و در این کار از بومیان هند استفاده کرد (کوفی، ۱۳۵۸: ۲۰۹-۲۱۰).

۲-۳- بینش و روش در تاریخ‌نگاری چچ‌نامه

«روش» عبارت است از فرآیند عقلانی یا غیرعقلانی ذهن برای دستیابی به شناخت یا توصیف واقعیت. به‌واسطه روش می‌توان از طریق عقل، یا غیر آن واقعیت‌ها را شناخت، مدلل کرد و از لغزش برکنار ماند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۳۱). مورخ مانند انسان‌های دیگر با توجه به شرایط زندگی و دوره‌ای که در آن زندگی می‌کند، متأثر از فرهنگ‌ها، باورها و نگرش‌های جامعه روزگار خود است، در نتیجه پیش از آنکه به نگارش تاریخ خود بپردازد تحت‌تأثیر روزگار خود دارای تفسیرها و تحلیل‌هایی درباره انسان، تاریخ و جهان است و تحلیل‌ها و تفسیرهایش را به شکلی آشکار و پنهان، آگاهانه و ناآگاهانه در متن خود انعکاس می‌دهد. در دنیای سنتی این تحلیل وجود داشت که مهم‌ترین نیروی حرکت‌دهنده تاریخ و پدیدآورندگان اصلی تحولات تاریخی، پیامبران و شاهان هستند. این تحلیل موجب می‌شد که تاریخ زندگی‌نامه شاهان و پیامبران تلقی شود و توجه

چندانی به زندگی توده مردم نشان نمی‌دادند. همان‌طور که بیان شد، چچ‌نامه نخستین اثر تاریخ‌نگاری هند پس از ورود اسلام به این سرزمین است. در این دوره، تاریخ‌نگاری هند در ابتدای راه خود بود. فاتحان مسلمان برای شرح گزارش‌های قهرمانی‌های نظامی خود، مورخان را استخدام کردند تا گزارش‌های اغلب منظم و تاریخ‌مندشان هرچند غلوآمیز را ثبت کنند (Mehta, J.L. 2002, p1) که مؤلف چچ‌نامه نیز از این قاعده به دور نیست. مؤلف چچ‌نامه این مطب را در بحث حمله لشکر عرب بر کافران چنین آورده که: «محمدبن قاسم نعره بزد و فرمود: هان، ای لشکر عرب حمله کنید... محمدبن قاسم ایشان را بر سر جنگ خیره می‌کرد که امروز تلاش شماس‌ت تا از کافران کشته، پشته شد (کوفی، ۱۳۵۸: ۱۷۸).

روش تاریخ‌نگاری در چچ‌نامه از نظر روش تدوین، موضوعی است، نه سال‌نگارانه؛ البته ترتیب زمانی وقوع رویدادها نیز در این اثر در نظر گرفته شده است. بهره‌گیری از انسجام و تبیین آن در پیوستگی متن، یکی دیگر از شاخص‌های روان‌شناختی در تاریخ‌نگاری چچ‌نامه است. مؤلف در تلاشی آگاهانه پیوستگی را از طریق ساختارمندی، ایجاد کانون روایت، نظم کلمات، جمله‌ها، بندها و توالی بین آن‌ها در متن پیگیری می‌کند. وی از چند روش برای نیل به این مهم بهره برده است: یکی اتخاذ روش موضوع‌نگاری رویدادها و عنصر زمان است. مهم‌ترین گزاره‌هایی که مؤلف به کار می‌گیرد تا پیوستگی را در متن ایجاد کند، گزاره‌های شناختی یا معرفه و اسنادی است. گزاره‌های شناختی گزاره‌هایی هستند که مورخ برای معرفی بیشتر عامل، مکان جغرافیایی، مفاهیم و... آگاهی‌هایی درباره آن‌ها عرضه می‌کند. وقتی مؤلف از یک قوم یا طبقه یاد می‌کند، به توصیف ویژگی و خاستگاه اجتماعی آن‌ها اشاره می‌کند (کوفی، ۱۳۵۸: مقدمه، یح). دیگر آنکه روش تاریخ‌نگاری مؤلف چچ‌نامه از نظر چگونگی تألیف، توصیفی بوده. توجه به تاریخ سیاسی، تأکید بر نقل و توجیه وقایع به جای تعلیل و تحلیل آن که از ویژگی‌های بارز تاریخ‌نگاری سنتی است، در این اثر دیده می‌شود و بارها خواننده را با بیان این جمله مواجه می‌کند که «راویان احادیث»، «در احادیث آمده». منصفان تاریخ، مفسران زمان و مشاطگان تفسیر و بیان چنین آورده‌اند که، مطالبی که در متن اثر آورده، بدون ذکر نام اثری است که ارجاع می‌دهد (کوفی، ۱۳۵۸، ۱۴، ۷۲، ۷۸، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۵).

۳-۳- چچ‌نامه و اندیشه مشیت‌گرایی

دیدگاه مؤلف در باب مسأله مشیت‌الهی و تقدیرگرایی، بُعد دیگری از بینش هستی‌شناسانه مؤلف را تشکیل می‌دهد. در اینجا بحث بر این موضوع متمرکز است که از دید مؤلف چچ‌نامه چه عواملی موجب حرکت و تحول در تاریخ به‌شمار آمده و نظر وی درباره مشیت‌الهی و تأثیر آن در حرکت تاریخ چیست؟

برخی از مورخان سیر تاریخ را براساس خواست خداوند و مشیت‌الهی تعبیر کرده و معنی و هدف حوادث و وقایع را اراده خداوند می‌دانند. گروهی با اعتقاد به حاکمیت مطلق خداوند بر زندگی انسان، و بی‌اختیاری بشر در سرنوشت خویش، به ترویج اندیشه تقدیرگرایانه؛ یعنی حاکمیت اراده مطلق‌الهی بر سرنوشت انسان پرداختند. براساس روایت‌های افراطی از مشیت‌الهی، انسان در تاریخ، نقش چندانی ندارد یا نقش آن کم‌رنگ است (مشکور، ۱۳۸۵: ۴۴). در میان مورخان مشیت‌گرای هند که این طرز تفکر در اثرش بازتاب چشمگیری یافته‌است، مؤلف چچ‌نامه است که آن را در فتح هند این‌گونه ترسیم می‌کند: «که ناگاه به‌قضاء الله تعالی، ازطرف فارس لشکر بادشاه نیمروز برسم پاره تازی بکرمان وصول کرد. رای سیهرس چون استماع کرد، از حصار ارور دماغی با تکبر و دلی بی‌تفکر با استقبال با قلب خود برفت و با ایشان جنگ پیوست و بعد از آنکه از طرفین مردان نامدار و دلیران کارزار علف تیغ خونخوار شدند، اهل فارس توکل بر حکم قادر حکیم کردند و حمله بردند؛ لشکر رای سیهرس منهزم و مقهور و مخدول گشت» (کوفی، ۱۳۵۸: ۱۶). وی تصرف هند توسط مسلمانان را امری از پیش تعیین‌شده دانسته که مردم هند نیز آن را پذیرفته‌اند و از آن به‌عنوان میثاق‌الهی یاد می‌کند و مطلب را چنین بیان می‌کند که: «حکمای سند و فیلسوفان هند که ساکن و مقیم این ملک‌اند، در کتب قدیم چنان از اسطرلاب و تنجیم استخراج کردند که این مملکت را لشکر اسلام فتح کند و در ضبط آورد» (کوفی، ۱۳۵۸: ۱۳۴).

این اندیشه پس از کوفی توسط مورخان دیگر نیز تداوم یافت. مشاهده می‌شود که در این گونه آثار، مورخ به‌جای کشف روابط علی و معلولی میان پدیده و ژرف‌اندیشی و خردورزی در تحلیل و تعلیل آن‌ها، به بیان وقایع به شکلی از هم گسیخته و پراکنده بدون برقراری پیوند منطقی میان آن‌ها یا برخورد نقادانه به مسائل، بیشتر به قضا و قدر‌الهی متکی است و انسان را عاری از مسئولیت در رفتار، اعمال و تفکرات خویش می‌داند و مطلب را چنین بیان می‌کند که: «پادشاه را

به همه حال همت و نهمت بر آن مقصود باید داشت و توکل بر حکم خدای تعالی باید کرد که ملک تعالی امنیت به قضاء رای همت برآرد و امید تو بوفای رساند.» در جای دیگر نیز با آوردن این مطلب که همه کواکب سعد به طالع تو ناظر است و هیچ نحسی از تربیع و مقابله ناموافق نیست. این حصار و مملکت تا چند سال بر تو مقرر است و مضبوط باشد و اگر رای را اتفاق سفری باشد مبارکست و مسعود و سلامت بر مسند جاه و جلال باز آید (کوفی، ۱۳۵۸: ۵۶). در نتیجه این نوع نگاه وی، انسان در موضعی بسیار انفعالی قرار می‌گیرد (شرفی، ۱۳۹۲: ۱۵۲). مطلبی که روزنتال نیز این‌گونه بیان کرده که: «در دنیای اسلام هیچ زمانی تاریخ‌نگار حرفه‌ای وجود نداشته و گذشته تاریخی، اغلب از سر نیاز یا تفنن توسط دولت‌مردان، دینداران و وابستگان به حکومت‌ها نوشته می‌شد» (روزنتال، ۱۳۶۶: ۶۸). این نوع نگاه از نظر روزنتال، مسبب بی‌توجهی به جریان‌های کلی تاریخی از سوی کوفی شده است. کوفی به‌عنوان مورخ سنتی بیشتر واقعه‌نگار بوده و بیشتر تلاش وی در توضیح چگونگی رخ دادن حوادث خلاصه می‌شد. وی تقریباً هیچ توجهی به کلیت جریان‌های تاریخی نداشته است. این بی‌توجهی، تاریخ را به‌صورت حوادث و اتفاقاتی متفرق، پراکنده و جدا از هم که گاه فقط شباهتی با حوادث گذشته داشته‌اند، درمی‌آورده است؛ در نتیجه این نوع نگاه، نتیجه‌گیری‌های کلی و تعمیم‌های تاریخی امکان‌پذیر نبود؛ از این رو بود که چندان دارای نظریه‌پردازی فلسفی نباشد و به‌صورت شاخه‌ای از حکمت عملی در خدمت دین یا به عبارتی دین حکومتی قرار گیرد. تاریخ‌نگاری اسلامی اغلب به‌جای تعلیل وقایع به توجیه آن‌ها پرداخته است؛ اینکه بیشتر خود را صرف سرگذشت سیاسی-نظامی و شرح عملکرد برگزیدگان دینی و حکومتی کرده‌اند نیز از همین ویژگی ناشی می‌شود. در بسط چنین تفکری، تاریخ عبارت می‌شود از تاریخ پادشاهان و سلاطین که برگزیدگان و نماینده خداوند در روی زمین بوده و خواست الهی را به اجرا درمی‌آورند.

به‌طورکلی از نظر مورخان مسلمان، ازجمله مؤلف چچ‌نامه، اراده خدا علت اصلی همه رویدادها بود و ابزارهای خدا برای تحقق اراده‌اش، در اعمال شخصیت‌های برگزیده نمود داشت و معیارهایی که خدا برای مخلوقاتش در نظر گرفته بود در شریعت الهی بیان شده بود. وقتی خدا محور تاریخ بود، وظیفه‌ای که بر دوش مورخان مسلمان بود، تبیین اقدامات انسان‌ها نبود، بلکه وظیفه آن‌ها سرمشق قرار دادن حقایق شناخته‌شده و درس‌آموزی از طریق توضیح درباره آن‌ها بود (راینسون، ۲۳۷: ۱۳۹۲-۲۳۸). اگر بینش دینی را به معنی تجلی معرفت دینی مورخ در

تاریخ‌نگاری وی بدانیم، در این صورت مؤلف چچ‌نامه به مانند اغلب مورخان مسلمان، دارای بینش و جهان‌بینی اسلامی بوده. معرفت دینی در زمینه معرفت کلامی وی قابل بازیافت است. در زمینه معرفت کلامی وی، مشیت الهی را به مثابه قانونمندی کلی در تاریخ ساری و جاری می‌دانسته‌است. وی در جریان مرگ ساهسی رای و جان‌نشین شدن چچ با بیان این جملات که: «پس قضای الهی از وراء حجاب خفیات ظاهر شد. رای رنجور گشت و عله او دراز گشت و اثر ممات بشره حیات او متغیر کرد. زن رای متفکر شد...، رای من چنان اقتضا می‌کند که خدای تبارک و تعالی به همت ما این مملکت را در تحویل تو کند... و چنانکه در یک شب مخالفان ناموفق را علف تیغ خون‌خوار کردند و دل ایشان از خصمان فارغ شد و هیچ منازعی در آن مملکت نماند که دعوی میراث کند» (کوفی، ۱۳۵۸: ۲۵-۲۳). باین‌حال مؤلف چچ‌نامه در همه جای کتاب خویش با این نگرش برخورد نکرده و در مواردی از تعلیل برخی وقایع پرهیز و به توجیه آن‌ها پرداخته است؛ به‌ویژه آنچه درخصوص عصر اسلامی و اعتقادات مسلمانان آورده است. آنجا که می‌گوید پادشا را به همه حال همت و نهدت بر آن مقصود باید داشت و توکل بر حکم خدای تعالی باید کرد، که ملک تعالی امنیت بقضاء رای همت برآرد و امید تو به وفا رساند (کوفی، ۱۳۵۸: ۳۳). مطلب مهم درخصوص بینش تاریخی مؤلف چچ‌نامه این است که وی برخی از مطالب را در کتاب خویش با رویکردی معرفت‌شناسانه آورده و به تاریخ پیوند نزده است، البته این بدان معنی نیست که مؤلف چچ‌نامه نگرش انتقادی نداشته، بلکه بدان معناست که وی نیز همچون مورخ حرفه‌ای به تعریف از تاریخ، سازوکار پیدایی علم تاریخ، جایگاه مورخ در پیدایی این علم و مسائلی از این قبیل نپرداخته و فقط در مفهوم فلسفه کلامی که در بهترین حالت می‌توان آن را شایسته نام فلسفه نظری تاریخ قلمداد کرد، تاریخ را می‌شناخته است.

۴- نتیجه

علل و عوامل زیادی موجب آغاز تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند شد. بخشی از این عوامل را باید در نقش مسلمانان و ماهیت حضور آن‌ها در شبه‌قاره هند ارزیابی کرد. کتاب فتح‌نامه سند، معروف به چچ‌نامه، تاریخ محلی سند است که توسط علی‌بن‌حامد ابوبکر کوفی در سال ۶۱۳ هـ.ق از عربی به فارسی برگردانده شد که شامل روایات معتبر و دست‌اول فتح سند، توسط اعراب مسلمان است و آگاهی‌هایی از دودمان‌های حاکم بر این ناحیه، پیش از ورود اسلام به این منطقه می‌دهد که بیشتر روایت‌های آن مبتنی بر آثار ابوالحسن علی‌بن‌محمدابی سیف مدائنی بوده و از

اصلی‌ترین و معتبرترین منابع تاریخ‌سند است که مورخان بعدی از آن متأثر شدند. تاریخ‌نگاری، پس از ورود اسلام به هند شکل گرفت و می‌توان آغاز تاریخ‌نگاری در هند را با تألیف کتاب چچ‌نامه دانست. در دوره‌ای که با حاکمیت مسلمانان بر هند آغاز شد، به‌رغم شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، در شرایط فرهنگی جامعه نوعی تداوم احساس می‌شود. این قضیه به‌ویژه درباره تاریخ‌نگاری بیش از هر بخش دیگری محسوس است؛ چنانکه تداوم آن، به تکامل هم انجامید.

با بررسی کتاب فتح‌نامه سند (چچ‌نامه) می‌توان چندین بینش را در نگارش این اثر یافت. مؤلف چچ‌نامه در اثر تاریخی خود اطلاعاتی جامع از فتح‌سند به‌دست می‌دهد که در حکم یک دایرة‌المعارف است. طبیعتاً تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند پس از چچ‌نامه، آن چیزی نیست که پیش از او وجود داشته‌است. هرچند هنوز تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند دوران گذار را طی می‌کند و راهی بسیار طولانی برای تکامل در پیش دارد، اما آثاری همچون چچ‌نامه طی طریق در این مسیر را تسهیل کردند.

در این کتاب تأثیر تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی بر یکدیگر به‌خوبی دیده می‌شود. سبک نگارش آن همچون پارسی‌نویسان سده ششم، روان و استوار است. هرچند که اثر ترجمه عربی به فارسی در کتاب آشکار است؛ ولی به شیوه فارسی‌نویسی آن آسیبی نرسیده‌است. مترجم در دیباچه کتاب، پیش از متن، لغات و ترکیبات عربی به‌کاربرده، ولی در متن نثر او ساده، روان و با جمله‌های کوتاه و استوار نگارش یافته‌است. هدف اصلی فتح‌نامه‌ها در ابتدا تدوین اطلاعات در باب کیفیت فتح بلاد کفر و توفیق گسترش دین الهی بوده‌است؛ اما بعدها اطلاعات موجود در آن‌ها منعکس‌کننده اوضاع سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی شد. مورخان مسلمان، اراده خدا را علت اصلی همه رویدادها دانسته و شخصیت‌های برگزیده را ابزارهای خدا برای تحقق اراده‌اش در زمین می‌دانستند؛ بنابراین مؤلف چچ‌نامه نیز کمتر به چون و چرایی در علت‌یابی وقایع و جریانات تاریخی توجه کرده و این ناشی از اعتقاد به یک نوع جبر تاریخی بوده و بینش و روش او در نگارش تاریخ عمده این دوره ذیل پارادایم غالب در تاریخ‌نگاری سرزمین‌های اسلامی قرار می‌گیرد.

۵- منابع

- ۱- آفتاب، اصغر، تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور: بینا، ۱۳۶۴.
- ۲- ابن‌اعثم کوفی، ابومحمد احمد، المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، بولاق: مطبعه العامره، ۱۲۴۴ هـ.ق.
- ۳- ابن‌ندیم، محمدبن اسحاق، الفهرست، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.
- ۴- احمد، عزیز، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی، چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
- ۵- اسماعیل پور، م، تاریخ‌نویسی در شبه‌قاره، حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ج ۴، بخش ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۶- اطهر، علی، تاریخ‌نگاری در هند دوره اسلامی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۷- بکری، سید محمد معصوم، تاریخ سند (تاریخ معصومی)، تصحیح عمر بن محمد داود پوته، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
- ۸- بلاذری، احمد بن یحیی، فتوح البلدان، ترجمه محمد توکل، تهران: نشر نقره، ۱۳۳۷.
- ۹- تنوی، میرعلی شیرقانع، تحفه الکرام، به اهتمام و حواشی راشدی، سید حسام‌الدین، بخش اول از مجلد سوم در تاریخ سند، حیدرآباد، سندی ادبی‌بور، ۱۹۷۱.
- ۱۰- ثواقب، جهانبخش، بررسی جایگاه و مؤلفه‌های تاریخ‌نویسی محلی عصر صفویه، دوفصلنامه پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال ۲، شماره ۲ (پیاپی ۴)، دانشگاه پیام نور: بهار و تابستان ۱۳۹۳.
- ۱۱- چلونگر، محمدعلی و دیگران، تاریخ‌نگاری محل در دوره مغول و شاخصه‌های آن، دوفصلنامه پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال اول، شماره ۳، صص ۷۵-۹۰، دانشگاه پیام نور: پاییز و زمستان (۱۳۹۲).
- ۱۲- حضرتی، حسن؛ برومنداعلم، مرتضی، گفتگوهایی در باب تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۱.
- ۱۳- حقیقت، سید صادق، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید، ۱۳۸۵.

- ۱۴- خضر، عبدالعظیم، مسلمانان و نگارش تاریخ: پژوهشی در تاریخ‌نگاری اسلامی، ترجمه صادق عبادی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- ۱۵- رابینسون، چیس‌اف، تاریخ‌نگاری اسلامی، الویری، محسن، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۲.
- ۱۶- رزم‌آرا، تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره هند، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵.
- ۱۷- رزم‌آرا، مرتضی، نگاهی به مورخان هند میانه، مجله آیین پژوهش، سال ۱۵، شماره ۸۵، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، صص ۵۷-۶۳، ۱۳۸۵.
- ۱۸- روزنتال، فرانتس، تاریخ‌نگاری در اسلام، ج ۱، ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.
- ۱۹- ریاحی، محمدحسین؛ عقلی، سیداحمد، وجوه غالب در ارزیابی تاریخ‌نگاری‌های محلی فارسی شبه‌قاره (از ابتدای قرن هفتم تا اواسط قرن دوازدهم هجری)، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۹، شماره ۳۱، صص ۹۶-۷۹، دانشگاه سیستان و بلوچستان: تابستان ۱۳۹۶.
- ۲۰- زرین‌کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
- ۲۱- سجادی، صادق؛ عالم‌زاده، هادی، تاریخ‌نگاری در اسلام، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.
- ۲۲- شبانه، رحیم، سیری بر تاریخ‌نگاری محلی و بررسی یک جنبش محلی، کتاب ماه جغرافیا، شماره ۱۶۸، صص ۵۹-۵۴، تهران: اردیبهشت ۱۳۹۱.
- ۲۳- شرفی، محبوبه، زندگی، زمانه و تاریخ‌نگاری و صاف شیرازی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۲.
- ۲۴- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، بخش ۲، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۳.
- ۲۵- عاروان، کامران، نقش و جایگاه تاریخ و تاریخ‌نگاری محلی، کتاب ماه جغرافیا، شماره ۱۶۸، صص ۲۹-۲۴، تهران: اردیبهشت ۱۳۹۱.
- ۲۶- عطاردی، عزیزالله، سیری در کتابخانه‌های هند و پاکستان، خراسان: انتشارات عطارد، ۱۳۷۶.
- ۲۷- عفیف، شمس‌سراج، تاریخ فیروزشاهی، تصحیح ولایت حسین، مقدمه و فهرست‌ها از محمدرضا نصیری، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵.

۲۸- فی، برایان، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، مرتضی‌مردیها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.

۲۹- قدیمی‌قیداری، عباس، تاریخ‌نگاری محلی کردستان و ظهور نخستین تاریخ‌نگاران زن در ایران، پژوهش‌های تاریخی، سال ۴۵، دوره جدید، شماره اول، صص ۱۸-۱۱۳، دانشگاه اصفهان: بهار ۱۳۸۸.

۳۰- کوفی، علی‌بن‌حامد، فتح‌نامه سند المعروف به چچ‌نامه، تصحیح داود پوته، حیدرآباد دکن، لطیفی دهلی، ۱۳۵۸.

۳۱- مشکور، محمدجواد، تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، تهران: اشراقی، ۱۳۸۵.

۳۲- منزوی، احمد، فهرستواره کتاب‌های فارسی، ج ۲، تهران: مرکز دایرة‌المعارف‌های بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲.

۳۳- میرجعفری، حسین؛ عاشوری‌نژاد، عباس، تاریخ‌نگاری و تحولات آن در ایران، تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۶.

۳۴- میرزا، زهرا، سهم تذکره‌نویسان سند در ترویج زبان و ادب فارسی، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال اول، شماره ۱، صص ۱۵۸-۱۳۵، دانشگاه سیستان و بلوچستان: زمستان ۱۳۸۸.

۳۵- ناجی، محمدرضا، چچ‌نامه، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۱، تهران: بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی، ۱۳۸۶.

۳۶- یاری، سیاوش، تاریخ اسلام در هند، قم: انتشارات ادیان، ۱۳۸۸.

۳۷- یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب، ترجمه آیتی، محمدابراهیم، تاریخ یعقوبی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.

38- Mehta, J.L., *Advanced study in the History of Medieval India*, New Delhi, 2002

39- Pathan, Mumtaz Husain, *Sind Arab period*, Hyderabad Sind Pakistan, 1978.